

سیری در نخستین

روزنامه‌های ایران

بسم

دکتر محمد اسامی عمیر ضوانی

از روزنامه و تاریخ ایجاد  
و نحوه انتشار آن در ایران  
آگاهی زیادی در دست نیست  
و تا کنون بیش از چند مقاله و  
دو کتاب در این باب بنظر  
نکارنده نرسیده است از آنجمله  
چهارمقاله بسیار سودمند در  
روزنامه کاوه یکی در شماره  
سوم دوره جدید سال اول و سه  
مقاله دیگر در شماره‌های چهارم و  
پنجم و ششم دوره جدید سال  
دوم.

در مجله یادگار در شماره -  
های سوم و هفتم سال اول و شماره  
اول سال دوم نیز سه مقاله بسیار  
مفید نگاشته شده است .  
کتابی نیز در چهار جلد بنام  
« تاریخ جراید و مجلات ایران »

وسیله آقای محمد صدر هاشمی تألیف شده که در عین گرانبهای و سودمندی فهرستی از روزنامه های منتشره از آغاز تا زمان تألیف کتاب (مردادماه ۱۳۳۲) بیش نیست.

مرحوم محمد علی تربیت نیز رساله ای بنام تاریخ مطبوعات ایران نگاشته که به کوشش ادوارد برون انگلیسی با استفاده از رساله ای که مستر رابینو در همین زمینه نوشته است به انگلیسی ترجمه شده و انتشار یافته است. در سال ۱۳۳۷ ترجمه ادوارد برون وسیله دانشمند پرکار آقای م. محمدلوی عباسی بفارسی ترجمه شده در دو جلد منتشر گردیده است. مترجم فارسی کار ترجمه خود را پایان نرسانیده اخیراً قسمت بازمانده آن وسیله آقای صالح زاده بعنوان جلد سوم ترجمه شده منتشر گردیده است.

در جراید عهد قاجاریه و مشروطیت نیز مقالات کم مطلبی دیده میشود.

از مطالعه کتابها و مقاله های مذکور چنین مسلم میشود.

نخستین

که نخستین روزنامه وسیله میرزا صالح شیرازی

روزنامه

انتشار یافته و اولین شماره آن روز دوشنبه ۲۵ محرم -

الحرام ۱۲۵۳ هجری قمری منتشر شده است. این روزنامه ماهی یکبار انتشار می یافته، اسم مخصوصی نداشته و آن را تحت عنوان « اخبار و وقایع دارالخلافه تهران » منتشر می کرده اند از این روزنامه نمونه ای و نشانه ای در دست نیست و با اینکه نگارنده سالها کوشیده است تا اطلاعی از آن بدست آورد از کوشش خود نتیجه ای نگرفته تنها در روزنامه اختر شماره ۲۲ منتشره در ۱۹ محرم ۱۲۹۳ هجری قمری ( ۱۵ فوریه ۱۸۷۶ میلادی ) به خبری تحت عنوان « گازت انتیکه ایران » دست یافته که قسمتی از آن عیناً نقل میشود: « یکی از تجار ایران که در خان والده اقامت دارد از میان اوراق عتیقه خود یک صحیفه گازت ایران که تخمیناً چهل سال پیش نوشته شده است پیدا کرده و به اداره اختر فرستاده است این گازت جلب دقت ما را کرد و لازم شد تفصیلی در این باب بیان کرده و از بعض فتوات آن در این گازت درج کنیم.

این گازت چهار ورق بزرگ بوده است و این صحیفه که در دست است صحیفه آخری است که اخبار خارجه را درج نموده اند و در این صحیفه از حوادث و وقایع ممالک روسیه و اسلامبول و مصر و اسپانیا و انگلستان و فرانسه اخبار مهمه را نوشته است .

تاریخ این گازت چون در صحیفه اول بوده است تحقیقاً معلوم نیست لکن در ضمن اخبار انگلستان تفصیل وقوع طوفانی را در لندن نوشته و تاریخی برای آن گذاشته است که آنهم ۹ ماه دیسامبر ۱۸۳۷ است و چند روز قبل از تاریخ روزنامه مذکور ، لهذا برای ما واضح میشود که چهل سال پیشتر در پایتخت ایران روزنامه بسیار منتظمی بوده است . گازت مذکور بخط تعلیق بسیار خوب و سرسخنها بخط ثلث مرقوم و به لیتوگرافی باسمه شده است و یک صحیفه آن بقدر یک صحیفه و نیم این گازت می باشد . اگر چه نامناسب نبود که همه این صحیفه را عیناً در این جا درج کنیم زیرا که حقیقتاً اخبار آن طرف اعتناست لکن چون از ذکر حوادث مقررۀ ما مانع خواهد شد بعضی از فتوات آن را درج می کنیم .

در این جا روزنامه اختر خبری چند از روسیه ، اسلامبول ، اسپانیا ، انگلیس و فرانسه از روی روزنامه مذکور نقل کرده که چون نظر ماسیری در جراید است خبر مزبور را به عنوان دادن نمونه ای از اخبار درج شده در این جا عیناً نقل می کنیم :

« ممالک روسیه : در بندارک انجیل که در کنار بحر منجمد واقع است مدتها در السنه وافواه مذکور بوده که در رودخانه مسمی به سنبه مروارید بعمل می آید و کسی اعتماد نکرده ولی من باب الامتحان اولیای دولت روس حکم بتحقیق صدق و کذب آن داده اند . منبع آن رود ، دریاچه سنبه است که ده فرسخ از کوهسار جاری و ملحق به دریاچه اونیکا میشود بیست و پنج زرع عرض و یک زرع و نیم عمق رود است و آب آن رود صاف و رنگ آن کبود و مانند جلوزغ علفی است و کسانی که بجستجوی صدف مأمور بودند در میان

علف ها صدف بسیار دیدند و اکثر آن تهی و درته صدف مروارید بود که دو صدف دو مروارید از نخود بزرگتر داشت و دریک صدف نه عدد مروارید ریزه و این را بمدرسه بزرگ پتربورغ که جوانان را علم معدن می آموزند فرستاده و در باقی صدفها مروارید وسط یافتند و نیز در اخبار نوشته اند که چهارباب دارالشفای (خسته خانه) بزرگ در سال قبل بنا نهادند یکی در شهر پتربورغ که پایتخت مملکت روسیه است، دوم در شهر مسکو که پایتخت قدیم آن مملکت است سیم در شهر قازان، چهارم در شهر ذیلنا که از مملکت است.»

روزنامه اختر در دنبال این خبر اضافه می کند که: (این مطلب طولی-الذیل است و تفصیلی بجهت این دارالشفایا و خسته خانه ها نوشته شده است که ذکر آن باعث طول سخن است).

اسپانیا: قانون اسپانیا این بوده است که ارث سلطنت به اولاد ذکور برسد و اناث را مطلق بهره ای نباشد ولیکن فرد نانت پادشاه اسپانیا را اولاد ذکور نبوده بقانون متداوله سلطنت حق برادر او دون کارلو بوده و بسبب محبت و میلی که بدختر خود کرستین داشت قانونی بسته که بعد از او سلطنت بمشارالیهها برسد و بهیچ وجه این مطلب را ابراز نکرده کسی هم مطلع نبوده بعد از فوت پادشاه مشارالیه کرستین دخترش قانون جدید را ابراز میکند و ادعای سلطنت مملکت پدر را مینماید و جمعی از بزرگان و اشراف ملک اقرار بسلطنت مشارالیهها نموده و از طرفی دون کارلو برادر پادشاه بقانون متداوله ملک سلطنت را ارث حق خود دانسته و به اهالی ملک اظهار کرده و جمع کثیر اقرار بسلطنت او کرده و از هر طرف جمعیتی به امداد خود اجتماع نموده مدت سه سالست این هنگامه در آن مملکت برپاست و علی الدوام بمجادله و مقاتله مشغولند و از آنجا که کدام از ایندو مدعی بدول اروپ بستگی بهم رسانیده اند چشم حمایت دارند ولیکن بحمایت هیچیک قیام ننموده اند و در این سه ساله زیاده از چهارصد دفعه جنگ در میان آنها واقع شده و هنوز هیچیک مغلوب نگشته اند و مصر بخونریزی یکدیگر می باشند.

انگلیس : درنهم ماه دسیمبر مطابق سال ۱۸۳۷ سیم شوال طوفان عظیمی در لندن روی داد که باد تند اکثر سرهای بخاری را خراب کرده و جمعی را زخمی کرده و کشته است و کشتیهای بزرگ و کوچک را در رودخانه تيمس شکسته و به آب فرورفته و درختان قوی را از ریشه بر آورده و به اطراف برده و در بین طوفان باران شدیدی باریده خانهای که از چوب و تخته ساخته بودند خراب کرده و در اطراف جزیره انگلیس تخته‌هایی که از کشتی‌های غرق شده و شکسته جمع شده بکنار افتاده است و همچنین در کاغذ اخبار نوشته‌اند که در جزیره انگلیس برف شدیدی بطوری افتاده که مدت پنج روز راه‌ها بکلی مسدود گشته که راه بردن کاغذ اخبار هم نبود و کاغذ اخبار را از راه دریا کشتی بخار برده است .

باتوجه بسال انتشار شماره ۲۲ روزنامه اختر و اظهار نظر این روزنامه که «گازت ایران تخمیناً چهل سال پیش نوشته شده» پیداست که گازت مذکور در سال ۱۲۵۳ انتشار یافته و این همانسالی است که میرزا محمد صالح شیرازی روزنامه خود را انتشار داده است و بنا بر این تردیدی نمی‌ماند که «گازت انتیکه ایران» همان «اخبار و وقایع دارالخلافه تهران» بوده است .

سه ماه قبل از آنکه روزنامه مذکور منتشر شود یعنی «عشر آخر رمضان المبارک ۱۲۵۲» طلوعه‌ای یا به اصطلاح امروز فوق العاده‌ای بیرون آمده که مزده ایجا در روزنامه در آن داده شده است. تمام رو نوشت طلوعه مذکور در شماره هفتم سال اول مجله یادگار چاپ شده است. این طلوعه نسبتاً مفصل است و بهمین علت از نقل تمام آن در اینجا صرف نظر میشود زیرا محققین بزرگوار همه بمجله یادگار دسترسی دارند و فقط بنقل چند سطر از ابتدای طلوعه بمنظور دادن نمونه اکتفا مینماید :

«اعلام نامه ایست که بجهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکره میشود :

بررای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماناد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه معرف براین گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا بحسب

حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعة ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد. اما اخبار شرقیه و غربیه عبارتست از عربستان و اناتولی و ارمن زمین و ایران و خوارزم و توران و سیبر و مغولستان و تبت و چین و ماچین و هندوستان و سند و کابل و قندهار و گنجه و مکران و غربیه عبارتست از اخبار یروپ یا فرنگستان و افریقا و امریکایا ینگی دنیا و جزایر متعلقه بدانها مختصراً هر آنچه طرفه بوده و تازگی داشته و استماع آنها مورث آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت خواهد بود ماهی یکمرتبه در دارالطباعة ثبت و بهمه ممالک انتشار خواهد نمود اکنون همینقدر اظهار میشود که بر همه طبقات خلق لازم است که به مفاد کن فی زمانک مثل اهل زمانک به نهجی در رفتار و کردار خود قرار و مدار دهند که عامه خلق از آن قرار زندگی میکنند و از آن طریق رفتار و انحراف نورزند تا آسودگی و راحت یابند

این معنی نیز معلوم باشد که ماهی یکمرتبه اخبار و مطالبی که متضمن منافع و آگاهی و بینائی خلق باشد در دارالطباعة انطباع و بهمه ممالک محروسه فرستاده خواهد شد.

بنا به اظهار مجله یاد گار «احتمال کلی دارد که بین نشر این طلیمه و روزنامه میرزا صالح باز هم دوسه شماره ای از همین قبیل منتشر شده باشد».

**دومین روزنامه - روزنامه دوم به همت میرزا تقی خان امیر کبیر و به دستور او انتشار یافته و مانند روزنامه میرزا صالح طلیمه ای داشته که همراه شماره اول روزنامه منتشر شده. تاریخ انتشار روز جمعه پنجم شهر ربیع الثانی ۱۲۶۷ بوده است. در این شماره مضمون فرمانی از ناصر الدین شاه بدین شرح چاپ شده است:**

«از آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است. لهذا قرار شد که هفته بهفته احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره که در دول دیگر گازت مینامند در دارالطباعة دولتی زده شود. در یوم جمعه پنجم شهر ربیع الثانی ایت ثیل ۱۲۶۷ به این کار شروع شد.»

روزنامه قایم القایه پنجشنبه نهمین شنبه ششم مبارک مطابقت آن بیلان میل

منطقه دارالخلافه طهران

نزد سید و بیست و نه

قیمت اعلانات  
بر هر خط



قیمت روزنامه  
بر نسخه ده شهر

اجبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون چند سال است که بده و اصفانه مبارک رمضان را نقایس و لمورات و امتعه و اسباب دیدن  
جدید مشهور بسز میدان چیده علاوه بر حجراتی که ستم آذکالین بود روشی و غیر است سایر کسبه و اصناف  
در ایام ماه مبارک در اینجا چادرها زده و حجره و دکالین ترتیب داده در میان آنها صنایع و بدایع عزیزه و انواع  
و امتعه و آرفعه گذاشته میگرد و چون این میدان بحسب روح و فضا و خوبی مکان و قرب در خانه مبارک که بهر  
از جاهای دیگر است که در آن زمانه سابقه کسبه و اصناف در اینجا جمع شده اند سال بسال کسبه بیشتر میگرد و در  
مشولیت روزه داران زیاد تر فراهم می آید سرکار اعلیحضرت آقدس لایون شاهنشاهی خداوند مکه و سلطان خانیچه  
بجهت تفریح و تماشای آنجا و شرف اندوزی کسبه و اصناف از زیارت وجود فایض انجود و ملوکانه تشریف فرمای  
منویر میشوند در روز شنبه ۲۴ ایام نیز بقدر معمول با آنجا تشریف آورده جناب شرف امجد ارفع صدر  
و سایر بقریان و خواص عده هم شرفیاب حضور مبارک بودند ساعتی در آنجا گردش و تماشا فرمودند و بقیه  
و ایشیا که در حجرات و دکالین چیده شده بود بمعرض عرض حضور لایون درآمد و بعضی اسباب لمورات و غیر  
انقبیل چهل چرخهای طرح تازه و سایر که پسند خاطر آقدس آمد بخبر دیداری آنها اشارت فرمودند و اصناف  
کسبه از زیارت وجود فایض انجود و بایون کمال خرمی و حسنی بهم رسانده تقدیم سرگذار بیان نمودند بعد از تفریح  
تمامشای میدان منویر و این بندی حجرات و انعام و آن بار بابت استحقاق بارگ مبارک که سلطان خانیچه و در  
(عالیجاه محبت و نبالت سمره کنیاریکوف و یر صاحب منصبان دولت بهتیه روستیه که از این جا  
بلالت و امارت آید کنیاسه بارگاسکی جانشین جدیدند و به جهت بلاغ ذریع جناب معنی الیه بجهت نور چشم اعلیحضرت  
آقدس شاهنشاهی خداوند مکه و سلطان با منور در بارها بایون شده بودند و تفصیل در وجه اشارت الیه و جناب صاحب

نام شماره اول روزنامه «روزنامه‌چه اخبار دارالخلافت» بوده و از شماره دوم «روزنامه وقایع اتفاقیه» نامیده شده است.

مدیر آن میرزا جبار تذکره‌چی (پدر میرزا جواد خان سعدالدوله) بوده مباشر و مترجمش برجیس صاحب نام داشته است. برجیس صاحب از اروپائانی بوده که در زمان عباس میرزا به ایران آمده سکونت اختیار کرده است. روزنامه وقایع اتفاقیه تا شماره ۱۶ روزهای جمعه و از آن پس روزهای پنجشنبه هر هفته منتشر میشد.

این روزنامه تا شماره ۴۷۱ وقایع اتفاقیه نام داشته شماره ۴۷۱ بنام «روزنامه وقایع» منتشر شده از شماره ۴۷۲ به بعد «روزنامه دولت علیه ایران» نامیده شده است.

از شماره ۳۶۱ تا ۴۰۹ در کتابخانه شخصی نگارنده موجود است. اکثر شماره‌های آن شش صفحه‌ای است و بعضی از شماره‌ها چهار گاهی هشت و بعضی هم تاده صفحه دارد. ابتداء اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی، درج می شده سپس «اخبار دول خارجه» ذکر می گردیده و مقالات علمی و ادبی ندارد.

روزنامه وقایع اتفاقیه از نظر تاریخ معاصر ایران از نفایس عهد ناصری است. مورخینی که بدون در دست داشتن این روزنامه بتدوین تاریخ ایران در عهد ناصری می پردازند مطمئن باشند که کار ناقص انجام داده اند بخصوص شماره‌های مربوط به سالهای ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ از نظر وقوف بر مسئله هرات و جنگ ایران و انگلیس بسیار خواندنی و جالب است. اخبار سیاسی روزنامه وقایع اتفاقیه جاندار تر و پر مغز تر و جدی تر از اخبار سایر روزنامه‌های زمان قاجاریه است و بسیار بجاست که دوره کامل روزنامه مذکور جمع آوری شود و اخبار مهم و مکاتبات سیاسی و رجال دولت دوباره چاپ گردد و در دسترس محققین و دانش پژوهان قرار گیرد.

اکنون در آغاز نامه ای که فرخ خان امین الملک به سفیر کبیر انگلستان در عثمانی نوشته است از شماره ۳۱۲ منتشره در روز پنجشنبه پنجم شهر جمادی-



اولی سال ۱۲۷۳ عیناً نقل میشود و سپس نمونه‌هایی از اخبار داخله و خارجه درج میگردد.

سواد کاغذیکه جناب فرخ خان امین‌الملک ایلچی کبیر دولت علیه بجناب ایلچی کبیر انگلیس مقیم اسلامبول نوشته است:

«اگرچه تا بحال میل اولیای دولت ایران را در حفظ دوستی دولت انگلیس بکرات به آن جناب اظهار داشته و بر صدق این اظهار خود دلایل واضحه بیان و آشکار نموده‌ام ولی پیش از حرکت خود از اسلامبول لازم میدانم که مقصود حقیقی خود و مراتب صلح جوئی دولت ایران و اهتمام شخصی اینجانب را در حفظ روابط دوستی دولت انگلیس مجدداً بخاطر آن جناب بیاورم اولیای دولت ایران از بدو روابط خود با دولت انگلیس قدر دوستی آن دولت را فهمیده و روز بروز طالب ازدیاد آن بوده‌اند اگرچه در این چندسال بی‌اعتدالی و تحککات مأمورین انگلیس در ایران بخصوصه رفتار غیر مترقبه جناب مستر مورهبجدهی بعید از شرایط دوستی و بقسمی مخرب استقلال دولت بود که باین چنین رفتار بقای شأن و استقلال دوستی برقرار نمی‌ماند ولی چون اولیای دولت ایران یقین میداشتند که آن حرکات مأمورین انگلیس منافی شأن و انصاف دولت انگلیس است و قطع داشتند که اولیای آن دولت هرگز راضی نمی‌شدند که نام و مقررات چنان ملت بزرگ در ایران اسباب آن نوع رفتار ناپسند شود و از آن طرف معلوم شده بود مادامیکه حالت اغتشاش و غیر ثابته افغانستان باقی است ممکن نیست که دوستی دولتین ایران و انگلیس برای طرفین منتج لازمه فواید شود لهذا دوستدار به اختیار کامل و با دستور العمل وسیع از جانب سنی‌الجوانب اعلی حضرت شاهنشاه ولی النعم خودم مأمور شدم که طرح و مقاصد دوستی دولت ایران را بدولت انگلیس حالی نمایم و در باب استقرار دولت افغانستان و سپس رفتار مأمورین انگلیس در ایران چنان قراری بگذارم که هم مقصود پلویطیک (کذا) دولت انگلیس بعمل بیاید و هم روابط دولتین بیشتر از سابق مطابق صلاح طرفین باشد و چون آنجناب از مقدمات گفتگوی فیما بین اطلاع کامل داشتند امیدوار آن بودم که به اقتضای انصاف آن جناب

مبانی مهم طرح دوستی دولتین را بتکمیل برسانم ولی هنوز هم در تعجب هستم که با وصف میل آنجناب و آرزوی صادقانه خود که در اول ورود خود بجهت ملاقات آن جناب اظهار نمودم چگونه اتفاق افتاد که از آن طرف آنهمه تأمل و اکراه از دیدن من بظهور رسید یقین دارم که آن جناب هرگز فراموش نخواهند کرد که من بجهت درک ملاقات شما و تسهیل مذاکره چقدرها کوشش نمودم و تحمل چه نوع حالات را بر خود روا داشتم و آخر الامر بی آنکه آن جناب را ملاقات نمایم و بی آنکه هیچیک از مطالب خود را بتوانم حالی نمایم بر حسب اصرار آن جناب تخلیه هرات را بجهت دفع منازعه فیما بین بر عهده خود گرفتم حتی در این باب از اختیار خود بمرا تَب تجاوز نمودم ولی در حینش که من خیال میکردم که بواسطه قرار امر هرات رفع برودت فیما بین بکلی شده است با کمال تعجب دیدم که آن جناب تکالیف چند که بهیچوجه دخلی بمسئله اصلی نداشت و هیچ سفیری نمیتوانست در آن نوع مطالب مذاکره نماید به اینجناب اظهار نمودند اگر چه اظهار چنان تکالیف دلیل واضحی بود که مقصود دولت انگلیس و رای حفظ دوستی دولت ایران است اما باز دوستدار بجهت تکمیل اهتمام خود خواستم آن جناب را ملاقات نمایم که شاید بطوری که مغایر شأن سفارت ایران نباشد راه اصلاحی پیدا شود ولی آن جناب در حین ملاقات بر خلاف امید من اظهار داشتند که بهیچوجه مأذون نیستید مطالب دولت ایران را بشنوید و اختیار ندارید که تکالیف دولت انگلیس را تغییر بدهید بنا بر این اظهار آن جناب و بنا بعدم اختیار خود بجهت قبول چنان تکالیف دیگر برای من در اسلامبول تکلیفی باقی نماند، لهذا در آن مجلس صراحة اعلام نمودم که پس از سه روز از اسلامبول حرکت خواهم نمود و مراتب تکالیف شما را به اطلاع اولیای دولت ایران خواهیم رسانید و در ضمن این ملاقات بجهت سند تازه بر حسن نیت اولیای دولت ایران در خصوص هرات که خبر گرفتنش رسیده بود اعلام جدیدی به آن جناب دادم. روز بعد بواسطه عالیجنابان مستر مورد چارچیل (کذا) برای دوستدار پیغام دادید که من در این جا بمانم تا در باب تکالیف دولت انگلیس جواب اولیای دولت ایران برسد و در آن ضمن بتوسط ایشان چنین اظهار داشتید که اگر من اختیار قبول تکالیف آخری دولت انگلیس

را می‌داشتم جناب شما تغییر سه فقره تکالیف مزبوره را که عبارت از روابط ایران با افغانستان و فقره قونسل‌های انگلیس و تغییر صدارت عظمی باشد رجوع به دولت انگلیس خواهند نمود من با وجود اینکه مایوس بودم از قبول کردن دولت ایران آن تکالیف را ولی بمحض اینکه سندی برای توقف خود پیدا کنم و دلیلی بر کمال میل دولت ایران به دوستی انگلیس آشکار سازم اگر در لشکر کشی دولت انگلیس توفیقی واقع شود و قرار ملاقات تازه با من بدهند که بتوانم در آن ملاقات اظهارات خود را بیان بسازم و از چند فقره لازمه که یکی توقیف لشکر کشی است اطمینان حاصل نمایم مضایق نخواهم داشت تا رسیدن جواب توقف نمایم باز آن جناب ملاقات خود و اصلاح کار را منحصر بقبول التوماتوم (کذا) سابق دولت خود نموده بودند اولاً چون حتی المقدور در همراهی به آن جناب را تکلیف خود می‌دانستم و دویم از برای آشکار شدن کمال همراهی دولت ایران به دولت انگلیس که دیگر هیچ جای شك و شبهه نماند و سیم به امید اینکه بعد از قبول این التوماتوم رفع برودت خواهد شد و کارها به آسانی خواهد گذشت و دولت انگلیس بعد از ملاحظه همین همراهی با کمال مهربانی رفع اشکالاتی را که دولت ایران به آنها گرفتار است خواهد نمود ولی برخلاف دستور العمل خود بموجب نوشته سلخ ربیع الاولی بر عهده خود گرفتم و جمیع تعهدات خود را چه در باب هرات و چه در خصوص ترضیه سفارت دولت انگلیس بقبول التوماتوم مزبور ختم نمودم با وجود اینکه گذشت من و با وجود حصول مقصود دولت انگلیس باز آن جناب در رفع برودت فیما بین قدمی پیشتر نکذاشت سهل است نخواستید رد یا قبول تعهدات را از جانب دولی انگلیس اعلام نمائید بنابراین لابد شدیم که اعلام پنجم ربیع الثانی را به آن جناب رسماً بنویسم و در آن ضمن اظهار دارم که اگر دولت انگلیس تعهدات را بجهت رفع برودت فیما بین کافی بدانند من حاضر هستم که آنها را مجری بدارم و اگر کافی ندانند تعهدات مزبوره جمیعاً باطل خواهد بود و من تا یک هفته دیگر از اسلامبول روانه خواهم شد چون جواب اعظم مزبور بعد از چند روز انتظار به این جناب نرسید مضامین آن را دوباره بموجب اظهارات مورخه یازدهم ربیع الثانی بخاطر آن جناب آوردم و به امید اینکه شاید جواب کافی برسانند باز

عزیمت خود را چند روز به تأخیر انداختم اما با وصف اظهارات متواتره من تا امروز که پانزده روز از تاریخ اعلام مزبور گذشته است اصولاً از آن جناب جوابی که مایه امید فایده باشد به دستدار نرسیده بلکه از تقریرات نمایان شما یقینم شده که در این باب جوابی بمن نخواهید داد در این صورت بدیهی است که معطلی من بیش از این در اسلامبول حاصلی نخواهد داشت بنابراین زحمت افزای می گردد که بر حسب اعلام پنجم ربیع الثانی من و به اقتضای سکوت آن جناب در جواب اعلام مزبور من روز بیست و سیم این ماه از اسلامبول روانه مقصد خواهم شد از مضامین مسطور و از اقدامات سابق من معلوم است که آن چه در قوه من بود در اصلاح برودت فیما بین سعی و اهتمام نمودم و در حفظ دوستی دولت انگلیس اینقدر با آن جناب همراهی کردم که آخر الامر همان التوماتوم دولت انگلیس را که از جانب دولت ایران رده شده بود من بر عهده خود گرفتم بواسطه آن تمام مقصود دولت انگلیس را بعمل آوردم بدیهی است که مقصود از جمیع این تعهدات من رفع برودت فیما بین بود حال که از تعهدات مقصود مزبور بعمل نیامد بحکم اعلام مورخه پنجم ربیع الثانی و بموجب همین نوشته هر تعهدی که کرده ام جمیعاً باطل گانم لیکن میدانم و مسئله برودت فیما بین را در هر حالتی که قبل از ورود من بود در همان حالت باقی میگذارم و این واضح است که عزیمت من از اسلامبول به چوچه خللی بر حالت سابق مسئله نخواهد رساند زیرا که اولیای دولت ایران بر میل سابق خود در حفظ دوستی دولت انگلیس ثابت هستند و مأموریت و اختیار من در اصلاح برودت فیما بین باقی است و هیچ شکی نیست که اولیای دولت ایران مراتب صالح جوئی خود را چه بتوسط من چه بتوسط مأمور دیگر چه در اسلامبول چه در لندن و چه در جای دیگر به اولیای دولت انگلیس خواهند رساند و اعلیحضرت شاهنشاه ایران تا بتوانند راضی نخواهند شد که قدر دوستی دولت انگلیس در نظر دولت ایران محو گردد. فی بیستم شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳».

روزنامه وقایع اتفاقیه پس از درج نامه مفصل مذکور چنین اظهار عقیده می کند:

بعد از آنکه عیال مستور و نسو و نشو و تفتیر از در آنجا با دست بدید رفت و از منزل ایشان

ذبط چای خانه روزنامه و خبرتعالی و سایر اخبار که مفصل است در آستانها بنویسد و نوشته شد

عذر و نظیر رفت و آنچه از روزگار از ایشان شنیده است اینک با صله جبر و معلوم و لذت بر آن بیرون

عقبه دارد و بموجب آن که از در آن روزگار شنیده است پس از آنکه دارد و در قریب آنجا که با عیال

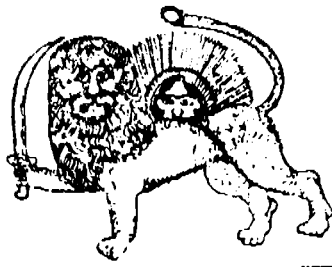
و در آنجا با چند بزرگوار در کمال تفنن و کمال کمال است که در آنجا با عیال که با عیال

و در آنجا با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال

و در آنجا با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال

و در آنجا با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال

و در آنجا با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال که با عیال



### اشتهار نامه

از بهر آنکه بر بخت بیست و نهمین سال و در ایام قطع ملائمت و در آنجا خصوصاً در این خصوص

تجدید یک خود را در این مرتبه در ضم و در بنات و تبرکات و غیره که او بنا بر عهد و در این منظره و در این

منبر که بر خود را در اسلام با موافقت و اختیار و در این جناب که بر این منبر و در این منبر و در این

دنا که در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر و در این منبر

«چون دولت انگلیس بر تکالیف شاقه خودش درجه بدرجه افزود و در حینی که فیما بین دوایلچی کبیر دولتین در اسلامبول مکالمه صلح و سؤال و جواب رفع برودت بود قشون انگلیس بدون اخبار و اعلام صریح جنگ حمله به بندر بوشهر خاک این دولت آورده آنجا را گرفت اولیای دولت علیه ایران به اعلی درجه کمال از امین المملک اظهار رضامندی مینمایند که در این خصوص خوب حرکت کرد و این کاغذی را که بجناب مشارالیه نوشت لازمه مأموریت او بود و درست و صحیح نوشت و قوت آن کاغذ را به درجه ای میدانند که گویا فقط بلفظ اولیای دولت علیه به او دستور العمل مخصوصه داده باشند...»

در جریان مسئله هرات و قطع روابط ایران و انگلیس اعلامیه های متعددی از طرف دولت ایران منظم بروزنامه صادر میشد که از آن میان دو اعلامیه عیناً کلیشه میشود.

اخبار داخله روزنامه تقریباً یکنواخت است و معمولاً اخبار باران در شهرستانها و امنیت و آسودگی مردم و رفاه بلاد و آسایش عباد است. گاهی هم خبری از گرفتاری يك دزد شیر و سیاست رساندن او و غارتگری ایلات و تر کمانان و سزادادن آنان. اینک خبری از کاشان از شماره ۳۰۲ منتشره در روز پنجشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول سال ۱۲۷۳:

«کاشان- از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند امور آن ولایت قرین انتظام است و عالیجاه محمد حسن خان حاکم آنجا کمال اهتمام در نظم ولایت و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی دارد اوقات محرم و صفر را مردم مشغول تعزیه داری جناب سیدالشهدا علیه آلافتحیه و الثنا بوده اند و در روز ششم صفر که روز عید مولود مسعود اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه بود لوازم جشن و سرور عید مولود را بعمل آورده تاسه شب تمام بازارها و کاروانسرها را چراغانی کرده مردم بعشرت و شادمانی و دعا گوئی ذات اقدس همایون شاهنشاهی مشغول بوده اند.»

خبری چند از شماره ۲۸۰ منتشر در پنجشنبه هشتم شهر شوان ۱۲۷۲:

«خراسان- ازقراریکه درروزنامه خراسان نوشته اند امور آن ولایت قرین انتظام وانضباط و کمال ارزانی و فراوانی در آن جا حاصل است و رعایا و برایا آسوده خاطر بدعای ذات اقدس هدایون شاهنشاهی اشتغال دارند وامری که منافی نظم وقاعده باشد وقوع نمی یابد .

خمسه رسمندان وشاهرود: از این ولایات نیز در این هفته اخباری نبوده .  
خبری از آمریکا و انگلیس شماره ۲۷۵ منتشره در پنجشنبه سیم شهر  
رمضان سال ۱۲۷۲ :

«نوشته اند که رئیس دولت جمهوریہ ینگیدنیای شمالی که چهارسال به چهارسال عوض میشود در این اوقات که وعده ریاست رئیس سابق قریب به انقضاست بجهت انتخاب رئیس تازه مجلسی در آنجا منعقد گردیده و تابحال صدوشش دفعه قرعه کشیده از سه صنف ریاست يك شخص را طالب شده اند و مابقی آنجا هنوز برایشان متفق نگشته و تا کنون رئیس جدید به جهت آن دولت معین نشده است.

دیگر نوشته اند که در چاپارخانه لندن بهر حال از صدملیان که دویت کرور باشد متجاوز روزنامه کازت وسایر مکاتیب وارد وخارج میشود وباوجود این نوشتجات زیاد بهیچوجه سهو واشتباه بجهت مباشرین و عمله جات آنجا اتفاق نمی افتد و این معنی محل تعجب سایرین است.»